

مدیر "مسئول" و ذهن منقطع

لازم نیست تا نامه ها را خط خطی سبک و "سنگین!" کنیم یا بر سکوی قضاوت شویم. خواننده عاقل و بالغ برداشت خود از دو نامه پی در پی اما **متضاد** و **متناقض** مدیر "مسئول!" بامداد را، بر ابریشم ذهن خود تافته است. باران سیاه روان پریشی از ابر های سیاه بی باران آن دو نامه زمین اعتماد و باور را لغزنده ساخته و تاویل روانشناسانه را الزامی.

دو نامه، بیانگر اختلال در ادراک، تغییر درک و تعبیر از واقعیات، اختلال در کارکرد دستگاه عصبی، توهمگرایی و تصورات غیر واقعی جناب مدیر "مسئول!" می باشد. و این نشانه قویست از بیماری «**ذهن منقطع**» و دو شخصیتی جناب مدیر "مسئول!".



همو در استعفا نامه و پشیمان نامه خود با فرار از شخصیت فعلی خویش، گرفتار رفتار های ناشیانه کرداری شده و آشکارا دو شخصیتی را نمایش سه بعدی داده است.

وقتی در نامه ها هویت پراکنده، اهداف متغیر، عدم اعتماد، خصم، خشم، یاس، خیال پردازی، ناامیدی، افسرده گی، عدم تفکر عادی، گناه، بی حیایی، باور های نا معقول، بد گمانی و سوءظن، دروغ، تهمت، کمبود عرف اجتماعی و فقدان اخلاق سیاسی، را به وضاحت مشاهده می کنی باورمند میشوی که بیماری شیزوفرنی ایشان تا خط پارانوئید پیشرفته است. آنهم از دسته بد خیم و بار منفی.

کج خواندن، بیان راست "وطن" و تلخ مزه کردن برخوردشیرین "وطن"، درشت انگاری و زشت نگاری و سازکردن بیگانه با پرده؛ گواه روشن بد تر شدن حالت روانی و جسمانی بیمار است. صد حیف و افسوس که تداوی کلنیکی ساده ندارد. و در حالتی چنین، مشاجره با بیمار شدید، کی عقلانی و منطقی باشد. در حوزه سیاست این بیماری سریعاً ساری و دوری از مریض هوشیار است هوشیاری!

اگر به پر جنگ شان بد نخلد؛ پیشنهاد میشود با پروفیسور «ایگن بلویر»، روان پزشک آلمانی مراجعه کند. حتماً کمک خوب دریافت خواهد کرد.

شفای شما آرزو ماست!

